کسبوکار

این آب، خوب نانی داشت!

آب در قلات ایران همواره به‌عنوان عنصری پراهمیت مورد احترام بوده و علاوه بر اینکه در حیات ساکنان این سرزمین نقش بسیار مهمی داشته، دایره گسترده‌ای از مشاغل را هم در بر می‌گرفته است. در این بخش برخی از مشـــاغل مهم و گره خورده با آب در تهران قدیم را مرور کرده‌ایم.

مقنی یا چاه‌کن

در طهران یک شغل دهان پرکن و درست و حسابی وجود داشـــت که کار حفر چاه و قنات بود و به کسی که این کار را انجام می‌داد مقنی یا چاه کن می‌گفتند. امروز به سبب رواج موتورهای آبکش و پایـــین رفتن آب‌های زیر زمینی این شغل منسوخ شده است.

آب حوضی

آب حوض از نخســـتین شـــبکه‌های به هم پیوسته، ذخیره آب و شست‌وشو در شهر تهران بود. پس از آنکه میراب‌ها آب‌های ســـطحی شـــهر یا آب قنات‌ها را از طریق شبکه ســـراســـری نهرها به حیاط خانه‌ها می‌رســـاندند صاحبان خانه‌ها با گشـــودن مجرای راه آب، جریان آب را به داخل آب‌انبار هدایت می‌کردند و ســـپس با استفاده از تلمبه در نوبت‌های گوناگـــون، آب از آب‌انبار به حوض خانه منتقل می‌شـــد. البته این کار هم یکسری مشـــکلاتی مثل لجن بستن در ته حوض را همراه داشت. اگر صاحبخانه به موقع لجن‌ها را تخلیه نمی‌کرد حوض از رســـوبات و لجن لبریز می‌شـــد و دیگر برای ذخیره آب فضایی نداشت. به همین دلیل بعضی از تهرانی‌ها شـــخصا دست به کار می‌شدند یا از فرد خاصی که به آب حوضی معروف بود می‌خواستند یا استفاده از سطل حلبی، لجن حوض را خالی کنند.

سقاها

سقایی یکی از مشاغل قدیمی و مورد احترام گره خورده با آب در تهران قدیم بود. سقا کسی بود که کارش آب‌آوردن و آب‌دادن به مردم بود. ســـقاها، کوزه‌ای آب در دســـت می‌گرفتند و بـــه بهایی کـــم، پیاله‌ای آب دســـت مردم می‌دادند. البته دراین میان افرادی هم پیدا می‌شـــدند که برای خیرات احوات‌شان کوزه را یک جا می‌خریدند تا سقا آب را بین مردم خیرات کند. ســـقاها از پوست گوســـفند، مشـــکی تهیه و درون آن را آب پر می‌کردند. آنها برای فروش آب به در خانه‌ها و مغازه‌ها رفته، با لیوان یا کاســـه سفالی به مشتریان آب می‌فروختند. آقای همه سقاها هم حضرت عباس(ع) بود و سقاها او را پیر این کار می‌دانســـتند برای همین سقایی بستری برای رشد و شکوفایی خصایل نیکوی اخلاقی بود. گاهی هم سقاها برای جلب توجه مردم خیر که دستی در جیب داشتند با لحنی مثل شبیه‌خوانی می‌گفتند: «کربلای بابی بشه، بده در راه حضرت ابوالفضل(ع) این مشک را خالی کنم، مردم بخورند...»

بشکه‌داران و آب بردارانِ قنات‌ها

در دوره پهلـــوی اول در تهران صنف بشـــکه‌داران و آب بردارانِ شکل گرفت. آن زمان آب تهران از رشته قنات‌های مختلفی تامین می‌شـــد که معروف‌ترین آنها قنات شاه، قنات فرمانفرما در خیابان پاســـتور، قنات سرچـــمه در چهارراه سرچـــمه تهران بود. بشکه‌داران یا یک درشکه که دارای آســـری چرخ بود و روی آن بشکه بزرگ آهنی تعبیه شـــده بود آب حمل می‌کردند. اتحادیه بشکه‌داران ترتیبی داشته بود که هر بشکه‌دار فقط از قنات تعیین‌شده خود آب بردارد. ســـوچی (راننده) که درشکه را هدایت می‌کرد، آب را به مشتریان خود در محله‌ها می‌فروخت و از ورود به حریم بشکه‌داران دیگر خودداری می‌کرد. علاوه بر آبرسانی به مردم، بشکه‌داران و آب برداران وظیفه لایروبی قنات‌ها و تصفیه آب را نیز برعهده داشتند. این صنف از نظر بهداشتی زیرنظر انستیتو پاستور فعالیت می‌کردند. صنف بشکه‌داران تا پیش از لوله‌کشـــی آب در تهران فعال بود. در سال ۱۳۳۵ خورشیدی ۴۲۰ دستگاه بشکه‌دار وظیفه ابرسانی را به‌عهده داشـــتند و بنابر اسناد موجود ۱۲ هزار کارگر و عائله با این شغل روزگار می‌گذراندند.

میراب‌ها و تقسیم آب

تقســـیم نوبتی آب و انتخاب شـــخصی به‌عنـــوان میراب برای نظارت بـــر کار قدمتی طولانـــی دارد. اجرای طرح تقســـیم آب به‌صورت همگانی در بیشتر محله‌های تهران بازخورد خوبی میان پایتخت‌نشینان داشت و به بســـیاری از بی‌نظمی‌ها خاتمه داد. در واقع تهرانی‌ها با روش تقسیم نوبتی آب زیرنظر میراب خیلی زود کنار آمدند.

از آب وقفی تا بازار سیاه آب

پنجمین نشست مرکز تهران‌شناسی همشهری با عنوان «آب و طهران» با حضور کارشناسان برگزار شد

گزارش
بهاره خسروی
روزنامه‌نگار

موضوع پنجمین نشست مرکز تهران‌شناسی همشهری با آب تهران گره خورده بود. روزگاری تهران، این کهنه بایتخـــت ایرانی، آبادی کوچکی در منتهی‌الیه شمالی دشت ری و دامنه کوه‌های البرز بود. در واقع چشم‌امید همه اهالی برای تامین آب مصرفی مورد نیاز به رودها، دره‌ها و قله‌هایی بود که اغلب زمستان‌ها با آب‌شـــدن و سرازیرشدن همین برف‌ها روزگار می‌گذراندند. با روی کارآمدن قاجارها سبک زندگی اهالی این قریه خوش آب و هوا حسابی تغییر کرد. افزایش مهاجرت به پایتخت و رشد جمعیت و استفاده بی‌رویه از منابع آبی برای مردم تهران دستاورد دی جز کم‌آبی و خشکسالی به‌ویژه در فصل تابستان نداشت. بحران آب به قدری برای مردم تهران جدی شد که در همان چندماه نخست تاج‌گذاری آغامحمدخان گروهی از کشاورزان تهرانی شکایت به دربار برده بودند که آبی برای زراعت ندارند و با مشکل بی‌آبی دست و پنجه نرم می‌کنند و دربار هم راه‌حل را در حفر قنات یافته بود. گزارش پیش‌رو نتیجه نشست چند ساعته همشهری همراه با مناصعودی آشتیانی، مسئول کمیته آب و گردشگری و کسب‌وکارهای وابسته به اتاق بازرگانی ایران، حمید کاردان مقدم، عضو هیات مؤسسه تحقیقات آب و مدیر گروه محیط‌زیست و نصرالله حدادی، تهران‌شناس است که در آن از منابع تا سازه‌های آبی و سازوکارهای نگهداری آب در طهران قدیم و چالش‌های پیش‌روی تامین آب تهران مورد بررسی قرار گرفت.

منابع آبی دومین شهر پرآب ایران

بنابر تعریف مرحوم محمدابراهیم باستانی پاریزی از پژوهشگران و نویسندگان معاصر، تهران بعد از اصفهان، پرآب‌ترین شهرهای ایران است. به این دلیل که هیچیک از شهرهای بزرگ ایران مانند شهر تهران در میان چند دره مثل دره تجریش، فرحزاد، کن و جاجرود قرار نگرفته تا بتوان بیش از ۴۵۸ قنات از آن درآورد که همه پر آب باشند. تهران این کهنه پایتخت ایرانی در روزگاری که یک روستای کوچک و بی‌نام‌ونشان بود، آب کافی داشت و به همین دلیل باغ‌ها و درختان پرمیوه‌ای داشت و چشمه، رودخانه و قنات ۳ منبع تامین آب آن بود.

چشمه‌های معروف

در تهران قدیم ۳چشمه وجود داشت. این دو چشمه شامل سرچشمه و آب پخش کن بود. محل سرچشمه در طرف شمال‌شرقی، نزدیک دیوار حصاری که به مرور زمان ساخته شد، قرار داشت و به ۳قسمت سرچشمه بالا و سرچشمه پایین تقسیم می‌شد. آب این دو سرچشمه برای تامین آب محله عودلاجان تاحدود بازار می‌رسید. سرچشمه بالا تا منتهی‌الیه شمال شرقی و خیابی دورتر از نقاط مسکونی قرار داشت. سرچشمه پایین به فاصله کمی در غرب سرچشمه بالا قرار داشت و محله عودلاجان از آب این سرچشمه‌ها سیراب می‌شد. منبع دیگر، سرآب پخش کن در شمال محله سنگلج بود که گویا نهری با مظهر قناتی بود که از طرف سنگلج به طرف جنوب شهر که محله دباغ‌خانه در آنجا قرار داشت، جریان داشت.

رودخانه‌های غیردائمی

هیچیک از رودهایی که تهران را سیراب می‌کند، دائمی نیست. این رودها که از دامنه‌های جنوبی البرز سرچشمه می‌گیرند، معمولا فقط در فصل پهار و احیاناً تا گرمای گذشته مدتی در فصل تابستان جریان دارند و فصل‌های دیگر خشک می‌شوند. رودخانه اوین یا درکه، رود و مسیل حصارک، رودخانه دارآباد، رودخانه و مسیل شمس‌آباد، رودخانه شمیران یا درند، رودخانه و مسیل فرحزاد، مسیل قوچک یا تجاریش و نهر فیروزآباد از مهم‌ترین رودها و مسیل‌های تهران قدیم بودند. در حال حاضر هم رودره‌های دربند، درکه، دارآباد، فرحزاد و کن در داخل محدوده شـــهری هستند و مصبه اولی وجود داشت که آب مشـــروب اهالی را تأمین می‌کرد. ۱- قنات یا آب حاج‌علی‌رضا در سرچشمه خانه‌های شرق و غرب و جنوب خود ۲- قنات سردار، ابتدای خیابان عین‌الدوله و کوچه قمرجا و حوالی کوچه ایشا ۳- قنات سپهسالار، مسجد سپهسالار و محلس شورا و خیابان نظامیه بهارستان و کوچه‌های پشت مجلس ۴- قنات فرمانفرما که حدود شمالی و باغ‌های غربی خارج از شهر و اسباب و باغ و حانه فرمانفرما، کاخ مرمر و کاخ‌های فراطاق مجلس سنا و خیابان امیریه و شرق و غرب آن ۵- قنات باغ‌شاه و قنات آکبرآباد باغ‌شاه از آبـــهای آنها باغ‌شاه و جنوب آن و دارالمجانین (تیمارستان) ۶- قنات وزیر که آب آن خیابان سراب وزیر و گذر مهدی موش یا مهدی‌خان و خیابان امیریه و شاهپور ســـابق در دروازه قزوین و خیابان بلورسازی و خیابان مشیرالسلطنه و خانه‌های اطراف آن ۷- قنات سنگلج که محله و کوچه‌های سنگلج پارک‌شهر و محدوده آن ۸- قنات‌های سفارت‌های روس و انگلیس و علاءالدوله که حدود شمال مرکزی شهر و سفارت‌های مورد بحث خیابان فردوسی و باغ علاءالدوله. ۹- قنات‌های شاه که به نام ابـــشاه و آب مهرگرد که کاخ گلستان و ارک و خیابان‌ها و کوچه‌های اطراف و مرکز شهر و بازار قسمت جنوبی را تأمین می‌کرد از مهم‌ترین قنات‌های شـــهر تهران بودند. البته قنات‌های دیگر مانند یوسف‌آباد، امیرآباد، بهجت‌آباد، جمشیدآباد، عشـــرت‌آباد و فرح‌آباد از دیگر قنات‌های اطراف تهران محسوب می‌شدند.»

حکایت خواندنی
سیدمهدی قوام و مرد یخ‌فروش

کســـب‌وکارهای بسیاری در تهران قدیم به آب وابسته بود، برای همین اتفاقات بســـیاری در این باره رخ می‌داد که خواندنی است. مانند اینکه روزی «اسید مهدی قوام»[1] از روحانیون و واعظان معروف تهرانی از مجلس روضه‌ای در راه بازگشت به خانه بود که فریاد و گریه مردیخ‌فروشی توجهش را جلب می‌کند. این روحانی کجی جلوتر می‌رود می‌بیند مرد با گریه به مردم التماس می‌کرد: «اهای مردم بیایید یخ‌های مونو بخرین، این همه سرمایه منه، سرمایام داره آب می‌شه و از بین میره» سید با دیدن این صحنه همه یخ‌های مرد یخ‌فروش را می‌خرد و بعد از آن کنار دست مرد یخ‌فروش گریه می‌کند. این بار یخ‌فروش تعجب می‌کند؟ علت گریه را از سید پرس و چرا می‌کند؟[2] در پاسخ می‌گوید: «تو با این کارت چه درسی به من سیدمهدی دادی، تو یخ‌هایت در شرف آب‌شدن بود، این همه داد زدی گریه کردی، من چه‌کار کنم که عمرم آب شد؟»

۱۳۵ قنات در شهر

به‌گفته پژوهشگران در شهر تهران با همان دامنه جنوبی البرز ۱۳۵ رشته قنات وجود داشته است. در واقع این قنات‌ها مظهرهای آب‌های تهران هستند که بیشتر آنها در شمال تهران قرار دارند. مرحوم جعفر شهری در جلد سوم کتاب «طهران قدیم» درباره قنات‌های معروف تهران که آب آشامیدنی اهالی را تأمین می‌کرد نوشته است: «مردم تهران قدیم به آبی که برای آشامیدن و پخت وپز در آبانبار ذخیره می‌شد، آب مشـــروب می‌گفتند. در تهران چیزی حدود ۱۰ قنات سرخه‌حصار و ورداُورد خارج از محدوده شهر قرار دارند.

تقسیم آب تهران

تقسیم نوبتی آب تهران قدیم به آب وابسته بود، برای همین اتفاقات بســـیاری در این باره رخ می‌داد که خواندنی است. مانند اینکه روزی «اسید مهدی قوام»[1] از روحانیون و واعظان معروف تهرانی از مجلس روضه‌ای در راه بازگشت به خانه بود که فریاد و گریه مردیخ‌فروشی توجهش را جلب می‌کند. این روحانی کجی جلوتر می‌رود می‌بیند مرد با گریه به مردم التماس می‌کرد: «اهای مردم بیایید یخ‌های مونو بخرین، این همه سرمایه منه، سرمایام داره آب می‌شه و از بین میره» سید با دیدن این صحنه همه یخ‌های مرد یخ‌فروش را می‌خرد و بعد از آن کنار دست مرد یخ‌فروش گریه می‌کند. این بار یخ‌فروش تعجب می‌کند؟ علت گریه را از سید پرس و چرا می‌کند؟[2] در پاسخ می‌گوید: «تو با این کارت چه درسی به من سیدمهدی دادی، تو یخ‌هایت در شرف آب‌شدن بود، این همه داد زدی گریه کردی، من چه‌کار کنم که عمرم آب شد؟»

راهکارهای حل بحران

مناصعودی آشتیانی، مسئول کمیته آب و گردشگری و کســـب‌وکارهای وابســـته به اتاق بازرگانـــی ایران، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی صحیـــح و حفظ منابع آبی با بهـــره‌وری از حداقل امکانات را یکـــی از راهکارهای پیشنهادی برای حل بحران آب پایتخت می‌دانست و گفت: «نخستین گام برای محقق‌شدن این امر مهم پیاده‌سازی مدیریت یکپارچه منابع آبی است. افزایش بهره‌وری از آب، استفاده از منابع نامتعارف مانند بازگشت چرخه آب‌های خاکستری به مصرف، فرهنگســـازی و آموزش درست مصرف کردن آب، توســـعه تکنولوژی، اختصاص بودجه برای بهسازی سیستم منابع آبی و از همه مهم‌تر داشتن الگوی مصرف متعارف کمک بزرگی به کاهش تنش‌ها و بحران آب می‌کند.»

عوامل کم‌آبی تهران

مهمان‌های بسیاری از پژوهشگران و تهران‌پژوهان در پنجمین نشست مرکز تهران‌شناسی همشهری حضور داشتند. برای همین سؤال‌های متفاوتی مطرح شد از هویت آب تهران تا دلایل کم‌آبی پایتخت و راهکارهایی برای برون‌رفت از این مشکلات. حمید کاردان مقدم، عضو هیات مؤسسه تحقیقات آب و مدیر گروه محیط‌زیست درباره کمبود آب شهر تهران از گذشته توضیح داد: «در دهه‌های ۲۰و۳۰ تهران جمعیتی در حدود یک میلیون داشت. در واقع برنامه‌ریزی‌ها و فراهم‌کردن زیرساخت‌های مورد نیاز آب تهران برای جمعیت یک میلیونی پیش‌بینی شده بود. اما تهران امروز یک ابرشهر با جمعیت ۱۲میلیونی ساکن و شناور است. بالطبع این افزایش جمعیت، مهاجرپذیری، افزایش دمای کره زمین، کاهش نزولات جوی، تلفات آب از سیستم لوله‌کشی، افزایش مصارف عمومی، افزایش مراکز صنعتی و توســـعه فضای سبز باعث کاهش آب‌ها و ســـفره‌های زیرزمینی و در نهایت کم آبی و بحران آب می‌شود. در حال حاضر شهر تهران فقط ده‌ها قنات فعال دارد که سالانه ۳۰میلیون مترمکعب آب از آنها برداشت می‌شود. بالطبع در دراز مدت به‌دلیل نبود الگوی صحیح استفاده از آب قنات، آنها هم خشک خواهند شد.»

اولین محله‌های تهران در حوالی آب

صفحات تاریخ تهران را که ورق‌بزنیم به گذشته این شهر سرک بکشیم به نشانه‌های زیبایی از جاذبه آبی و طبیعی در آن می‌رسیم؛ اینکه نخستین محله‌های تهران بر مبنای جریان آب شکل گرفتند و نام‌بسیاری از آنها مانند عودلاجان، اسرداز، ابسنگل در خرگاه، نعمت‌آباد و چهارراه سرچشمه یا نام آب گره خورده است. این مجرا انشان از وجود چشمه‌ها و نهرهای روان در دل تهران قدیم بود.

آخرین نسل آب‌انبارها

در روزگاری که هنوز خبری از تکنولوژی و ســـیســـتم لوله‌کشـــی در معماری خانه‌ها نبود تا به ســـاده‌ترین روش ممکن دســـترســـی به آب فراهم شـــود، آب‌ها برای تامین نیازهای مصرفی در آب‌انبار خانه‌ها نگهداری می‌شـــد. این آب‌انبارها هم به ۳دســـته عمـــومی مانند آب‌انبار «سیداسماعیل»، «مســـجد معیر»، وقفی مانند آب‌انبار «مســـجد جامع تهران» و «مسجد میرزا موسی» و خانگی تقسیم می‌شد. در گذشته در معماری خانه‌ها به انتخاب فضای مناسب برای آب‌انبار توجه می‌کردند و به مرور زمان با اجرای عملیات لوله‌کشی آب، کاربری آب‌انبارها به انباری و سایر بخش‌های مورد نیاز خانه تغییر پیدا کرد. البته آخرین نسل این آب‌انبارهای خانگی در خانه حاج‌حسین آقاملک در بازار بین‌الحرمین، خانه اردیبهشت، تیمچه وکیل‌التجار در میدان محمدیه، سرای کاظمی، خانه سیدرزاز و خانه اتحاد به مکان ضبط سریال «خایی جان نایلئون» همچنان با همان سبک و سیاق قدیمی موجود است. معمولا آب‌انبارها در مسیر جریان آب و قنات‌ها و چاه‌ها قرار داشت.

تفاوت آب فقرا و پولدارها

ماجرای دسترسی و تقسیم عادلانه آب برای تامین نیازهای مصرفی خانه از پخت‌وپز تا رفت‌وروب از مهم‌ترین دغدغه‌های مردم تهران قدیم بود. وظیفه تقسیم آب بر عهده فردی به‌عنوان میراب بود. اجرای طرح تقسیم آب به‌صورت همگانی در بیشتر محل‌های تهران بازخورد خوبی میان پایتخت‌نشینان داشت و به بســـیاری از بی‌نظمی‌ها خاتمه داد. تهرانی‌ها با روش تقسیم نوبتی آب زیرنظر میراب خیلی زود کنار آمدند. آن زمان ۲نوع آب وجود داشت؛ آب روز و آب شب. آب روز پر از آلودگی و متعفن به فقرا و آب اخر شب نسبتاً پاکیزه‌تر و برای پولدارها و گردن کلفت‌های محله‌ها و آب اول شب هم مخصوص افرادی بود که دائماً در حال چانه‌زدن با میراب بودند.

باکیفیت‌ترین آب در بازار سیاه

در روزگار گذشته باکیفیت‌ترین آب برای خوردن، آب قنات باغ‌شاه بود. این قنات در میدان حر امروزی واقع شده بود و مردم شهر حاضر بودند برای آن این قنات پول بیشتری پرداخت کنند. به همین دلیل گاهی در تابستان آب قنات شاه که توسط بشکه و گاری حمل می‌شد بازار سیاه پیدا می‌کرد و شهروندی تهران هم برای جلوگیری از افزایش بهای آب مداخله می‌کرد. در آن دوره قنات شاه سازمان منسجمی شامل آمیراب و یک تحصیلدار داشت و توزیع آب با بشکه‌ای در بسته انجام می‌گرفت. با توجه به استقبال وســـیع مردم پایتخت از آب این قنات، بعضی از فروشندگان، آب نهرها را هم داخل بشـــکه به‌عنوان آب قنات شاه میان مردم می‌فروختند که این موضوع باعث شیوع بیماری میان مردم شد، برای همین شهرداری تهران برای نخستین بار با پلمب کردن بشکه‌های آب، نوعی استاندارد محلی را برای توزیع آب آشامیدنی توسط بشکه آغاز کرد.

مصائب ساخت آب‌انبارهای خانگی

آب‌ها از مسیر نهرها و جوی‌های محله توسط تنبوشه (لوله‌های سفالی) به داخل خانه‌ها هدایت می‌شدند. به طبع همراه جریان آب هر وســـیله، آلودگی، حشره و... به خانه‌ها و آب‌انبارها وارد می‌کردند. اغلب آب‌انبارها به همین دلیل بوی تعفن و مشمئزکننده‌ای می‌دادند به همین دلیل ساخت آب‌انبارهای خانگی با مصائب زیادی همراه بود. در خانه‌های شمالی آب‌انبار را در حیاط حفر می‌کردند و روی آن تلمبه می‌گذاشتند. اما برای خانه‌های جنوبی کار کمی سخت‌تر می‌شد. چون لوله‌های تنبوشه در این بناها از دل ساختمان عبور می‌کرد تا به حیاط و آب انبار برسد. به همین دلیل میزان نم و رطوبت در خانه‌های جنوبی بیشتر بود.

نظافت آب‌انبارها

یکی از کارهای رایج و پرماجرا در میان مردم تهران قدیم ماجرای نظافت آب‌انبارها بود. تخلیه و نظافت آب‌انبارها که هرسال برای استقبال از سال نو انجام می‌شد از کارهای مهم هر خانه یا محله بود. معمولا به‌دلیل ایـــنـــایی آب در این بخش خانه آب‌انبارها پر از میکروب، کثافات و لجن و خزه می‌شد. کسی که مسئولیت نظافت آب‌انبار را بر عهده می‌گرفت، باید در به بسیاری سخنی‌ها و حتی بیماری‌ها می‌داد به روایت جعفر شهری، نظافت و جمع‌آوری گل و لای آب‌انبار سیداسماعیل چیزی در حدود ۴ماه زمان برد. این آب‌انبار پر از جانوران و حشرات مختلفی چون رتیل، سوسک، عنکبوت و دیگر حشرات موذی بود.

ماجرای ورود سوسک به تهران

آب‌انبارها یکی از مناســـب‌ترین و امن‌ترین مکان‌ها برای رشد و تکثیر سوسک‌ها بودند. تا قبل از اوایل دهه ۲۰ در تهران حشره‌ای به نام سوسک موجودیت خارجی نداشت. این سوسک‌ها سوغات کلاه‌های ایتالیایی به ایران است که در جعبه‌های آن مخفیانه جا خوش کرده و از اروپا راهی تهران شدند. به باور کارشناسان با توجه به فضای نمور آب‌انبارها و چاه‌های جنبی، فرصت خوبی برای تولیدمثل سوسک و تکثیر آنها در تهران فراهم بود.

ضرب‌المثل‌های آبی

موضوع آب با هویت تهران گره خورده است. در فرهنگ و ادبیات فولکلور ما چیزی به اندازه حرمت نان و آب ارزشمند نیســـت. به همین دلیل دیر در این باره ضرب‌المثل، قصه و روایت‌های زیادی نقل شده است. اصطلاح معروف «طرف رفته آب خنک بخورد» یکی از همین نمونه‌های مهم توجه به آب در زندگی روزمره پایتخت‌نشینان است. قدیم‌ها که خبری از سیستم‌های پیشرفته سرمایشی نبود، خوردن یک جرعه آب خنک، برای تهرانی غنیمتی بود. اهالی پایتخت‌نشین در حسرت آب خنک خوردن بودند. از کنار زندان قصر آب خنک قنات‌های «مخلص‌آباد» و «همت» و آب ۴ گذر می‌گرد. زندانیانی که در داخل سلول‌های قصر محبوس بودند می‌توانستند از آب خنک و گوارای این قنات‌ها بخورند. با اصطلاح «چاچه و مالیده» این موضوع مربوط به کار آب خوری‌ها در تهران قدیم می‌شود. این افراد برای کشیدن آب خوش، پاچه‌های شلوارشان را برای کار بالا می‌زدند. مثل معروف «زار در کوزه آبش را بخور» که کنایه از بیهوده کار کردن است یکی دیگر از ضرب‌المثل‌های ادبیات عامیانه ایرانی است. در گذشته برای خنک‌ماندن آب، آن را داخل کوزه‌ها نگهداری می‌کردند. این کوزه‌ها را معمولا داخل حوض‌ها می‌گماشتند و برای جلوگیری از ورود حشرات و جانوران، به داخل کوزه افتاد. در آن زمان با تهوی‌های پارچه‌ای که با وسایل دور ریختنی خانه درست می‌شد می‌ســـتند. «آب از دستش نمی‌چکه» کنایه به آدم خســـیس، «آب از سرش گذشته» کنایه از اینکه کاری از دست کســـی بر نمی‌آید، «آب که جابه‌جا نمی‌کنده» کنایه از بی‌تدبیری، از جمله مثل‌های معروف در ادبیات عامیانه ایرانی هاست که در آن آب نقش مهم و اثرگذاری را ایفا می‌کند.

آب آلوده و بیماری‌های کشنده

برخی از اهالی تهران قدیم به‌ویژه در دوره قاجار، بهداشت و نظافت فردی را کمتر رعایت می‌کردند که بخش عمده این ماجرا به نبود اطلاع‌رسانی صحیح و فرهنبودن زیرساخت‌های مورد نیاز برمی‌گشت. برای همین مهم‌ترین عامل بیماری‌های مردم تهران چون وبا مصرف آب آلوده و تصفیه‌نشده بود. این بیماری که به نام «مرض موت» یا «مرگ مرگی» هم میان مردم مشهور بود، خیلی از پایتخت‌نشینان را به کام مرگ فرستاد. اسهال خونی و زیاد دیا که نام یک مجرد زنده‌ای همانند انگل است که در بدن انسان‌ها می‌تواند زندگی کند. از دیگر بیماری‌های شایع در تهران قدیم به‌حساب می‌آمد که به تشخیص اطبای آن روزگار منشأ آن آب‌های آلوده بود. جعفر شهری نویسنده و تاریخ‌شناس در کتاب طهران قدیم به بیماری سالک اشاره می‌کند و آن را نشانی از تهرانی‌بودن به شمار می‌آورد. او در کتابش نوشته است: «مرض سالک نیز رهاورد بود که نشانه تهرانی‌بودن به‌حساب می‌آمد و هر کسی سالک نداشت به تهرانی‌بودن باورش نمی‌کردند. چه می‌گفتند آب تهران سالک می‌آورد. مرض خوش‌سلیقه‌ای که اکثراً صورت و پیشانی و بینی را فرامی‌گرفت، پشت دست، ساعد و بازو هدف دومش بود.»

یخچال‌های طبیعی

در گذشته یخچال‌ها یکی از مکان‌های مهم تهیه یخ در تهران بود. یخچال، جایی بود که در آن به‌طور طبیعی یخ تهیه می‌شد و یخ‌های فراهم‌شده را کارگران یخ‌سازی به بازار یخ که در همان‌جا بود، منتقل می‌کردند و پس از پرشدن، در انبار را می‌بستند، با این کار ورود و خروج هوا بسته می‌شد و در تابستان، در انبار را باز می‌کردند و یخ‌ها را به مرور زمان به بازار عرضه می‌کردند. ساختمان یخچال‌ها شامل زمینی وسیع با دیواری شرقی - غربی و چینه‌ای و بسیار بلند بود، چالی در زمین به‌صورت استخر می‌کندند و در کنار آن انباری در عمق زمین می‌ساختند. دستمای از این انبارها مسقف و برخی بدون سقف بود. برای رسیدن به درانبار، چند پله (متناسب با عمق انبار) پایین می‌رفتند. در انبارهای مسقف در تراز سطح زمین، دیوار انبار را سوراخ می‌کردند که کارگران به محض گرفتن یخ، آنها را به قطعات کوچک‌تر می‌شکستند و از سوراخ به داخل انبار می‌ریختند و در انبارهای بدون سقف، از بالا انبار را پر از یخ می‌کردند و رمانی که انبار پر می‌شد، سوراخ در انبارهای مسقف را کامل می‌ســـتند. تا هوا به داخل آن نفوذ نکند و در انبارهای باز نیز با پوشال و حصیر و نظایر آن روی یخ‌ها را می‌پوشاندند تا نتوانند یخ را تا قطعاً گرمانه‌گرد دارند. عمده یخچال‌های تهران در جنوب آن شکل گرفته بودند.

یخچال‌های معیرالممالک، حاجی‌بلاقر، حاجی آقامحمد، وزیرحاجی علی‌اکبر، حاجی‌شیخ‌رضا، حاج آقارضا فرزانه، حاج جب تختی، پدرجهان پهلوان غلامرضا تختی و حاج حسن شمشیری از معروف‌ترین یخچال‌داران تهران قدیم بودند.

کارخانه‌های یخ‌سازی مدرن

یخچال‌ها هر چند در تابستان برای مردم تهران مفید بود اما یکی از آلوده‌ترین مکان‌ها به‌حساب می‌آمد. یخ‌هایی که در این یخچال‌ها برای فروش به بازار عرضه می‌شد پر از میکروب و آلودگی بود. جالب‌تر اینکه مردم وقتی آب می‌خوردند، با دیدن هر نوع حشره در داخل ظرف فقط به یک قوت برای رفع آلودگی اکتفامی کردند. برای ساماندهی این وضعیت در دهه ۴۰ نخســـتین کارخانه یخ قالبی در محدوده سه‌راه جمهوری (سه‌راه شاه) راه‌اندازی شد. در این کارخانه در مقایسه با یخچال‌های طبیعی، یخ بهداشتی‌تری تولید می‌شد و یخ‌ها برای فروش به دکه‌های یخ‌فروشی سر چهارراه‌ها منتقل می‌شـــدند. البته به مرور زمان دکه‌های یخ‌فروشی جمع‌آوری شد و تنها بازمانده آنها در شهر تهران یک دکه قدیمی در میدان فلسطین است.

آب سفارت

آب موجود در لوله‌های تهران با انتقال بخشی از آب رودخانه کرج به تهران از یک مخزن در شمال شهر تأمین و در مقایسه با آب قنات‌ها و آب‌های سطحی که از طریق نهرهای آبه به آب‌انبارها سرازیر می‌شـــد باکیزه‌تر بود و مردم با رغبت بیشتری از آن اســـتفاده می‌کردند. اما از دیدگاه خارجیان هنوز آب شهر تهران قابل اطمینان نبود و به همین دلیل سفارت‌خانه‌های خارجی با نصب دستگاه‌های کوچکی در داخل سفارت آب لوله را تصفیه و ضدعفونی می‌کردند. سفارت انگلیس در تهران حتی پیش از لوله‌کشی آب شهر با استفاده از آب قنات سفارت و مخزن آب نهر کرج، آبی را که از طریق یک نهر وارد سفارت می‌شد پس از تصفیه برای آشامیدن مورد استفاده قرار می‌داد. این آب گاهی توسط خدمه سفارت با یافتبان ایرانی بیرون آورده می‌شد که در میان افراد تحمیلکرده و خانواده‌های پولدار طرفدار زیادی داشـــت و بازار سیاه پیدا کرده بود. البته به‌علت وجود مواد تصفیه‌کننده که درسفارت انگلیس به آن افاضه می‌شد، آشامیدن این آب را غلب مردم خوش نداشتند.

ساخت نخستین سدها

ســـال ۱۳۲۶ کار مطالعه بر روی رودهایی که آب شـــهر تهران را تامین می‌کردند شروع شد. نتیجه این تحقیقات و مطالعات در پایان به ســـاخت سد کرج در سال ۱۳۴۲ و سد لتیان در سال ۱۳۴۶ برای پیشگیری از خشکسالی شهر تهران منجر شد.

مروارید آبی

۵۳۱ رشته قنات
در دل شهر تهران موجود است.

۵۴۰ حلقه
چاه آب شرب در شهر تهران موجود است.

۲۴ کیلومتر
مسیر قنات فرمانفرما طولانی‌ترین قنات شهر تهران است.

۱۱۸۷ حلقه
چاه آب شرب در استان تهران موجود است.

۱۷۰ متر
عمق قنات سلیمانیه عمیق‌ترین قنات تهران است.

۲۰ سنگ
آب قنات یوسف‌آباد است که بزرگ‌ترین قنات این منطقه است.

حاشیه‌های نشست پنجم

کوچه‌های چمام چال و خانه زینوکرجی‌باشی، شب‌بسه‌شنبه: محله عودلاجان؛ روز چهارشنبه: محله عودلاجان؛ شب چهارشـــنبه: محله عودلاجان؛ روز پنجشـــنبه: محله عباس‌آباد؛ شب پنجشـــنبه: محله عودلاجان؛ روز جمعه: خانه حســـام‌السلطنه و گذر نوروزخان و شب جمعه: کوچه غریبان.

اولین محله‌های تهران در حوالی آب

صفحات تاریخ تهران را که ورق‌بزنیم به گذشته این شهر سرک بکشیم به نشانه‌های زیبایی از جاذبه آبی و طبیعی در آن می‌رسیم؛ اینکه نخســـتین محله‌های تهران بر مبنای جریان آب شکل گرفتند و نام‌بسیاری از آنها مانند عودلاجان، اسرداز، ابسنگل در خرگاه، نعمت‌آباد و چهارراه سرچشمه یا نام آب گره‌خورده است. این مجرا انشان از وجود چشمه‌ها و نهرهای روان در دل تهران قدیم بود.

آخرین نسل آب‌انبارها

در روزگاری که هنوز خبری از تکنولوژی و ســـیســـتم لوله‌کشـــی در معماری خانه‌ها نبود تا به ســـاده‌ترین روش ممکن دســـترســـی به آب فراهم شـــود، آب‌ها برای تامین نیازهای مصرفی در آب‌انبار خانه‌ها نگهداری می‌شـــد. این آب‌انبارها هم به ۳دســـته عمـــومی مانند آب‌انبار «سیداسماعیل»، «مســـجد معیر»، وقفی مانند آب‌انبار «مســـجد جامع تهران» و «مسجد میرزا موسی» و خانگی تقسیم می‌شد. در گذشته در معماری خانه‌ها به انتخاب فضای مناسب برای آب‌انبار توجه می‌کردند و به مرور زمان با اجرای عملیات لوله‌کشی آب، کاربری آب‌انبارها به انباری و سایر بخش‌های مورد نیاز خانه تغییر پیدا کرد. البته آخرین نسل این آب‌انبارهای خانگی در خانه حاج‌حسین آقاملک در بازار بین‌الحرمین، خانه اردیبهشت، تیمچه وکیل‌التجار در میدان محمدیه، سرای کاظمی، خانه سیدرزاز و خانه اتحاد به مکان ضبط سریال «خایی جان نایلئون» همچنان با همان سبک و سیاق قدیمی موجود است. معمولا آب‌انبارها در مسیر جریان آب و قنات‌ها و چاه‌ها قرار داشت.

تفاوت آب فقرا و پولدارها

ماجرای دسترسی و تقسیم عادلانه آب برای تامین نیازهای مصرفی خانه از پخت‌وپز تا رفت‌وروب از مهم‌ترین دغدغه‌های مردم تهران قدیم بود. وظیفه تقسیم آب بر عهده فردی به‌عنوان میراب بود. اجرای طرح تقسیم آب به‌صورت همگانی در بیشتر محل‌های تهران بازخورد خوبی میان پایتخت‌نشینان داشت و به بســـیاری از بی‌نظمی‌ها خاتمه داد. تهرانی‌ها با روش تقسیم نوبتی آب زیرنظر میراب خیلی زود کنار آمدند. آن زمان ۲نوع آب وجود داشت؛ آب روز و آب شب. آب